

ولایت خورشید

دفتر اول:

کوثر رحمت

(سرایشی در شان: محمد مصطفی، علی مرتضی و فاطمه زهرا)

دکتر محمد علی آبادی

با پیش گفتاری از خورشید چهری ماندگار در آسمان علم و ادب ایران:
استاد فرزانه و گران قدر، جناب دکتر جلیل تجلیل

سرشناسه	: علی آبادی، محمد، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: کُوشِ رحمت / محمد علی آبادی.
مشخصات نشر	: تهران: نُور مهران، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۴۱۶ ص.
فروست	: ولایت خورشید؛ دفتر اول.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۳۵۳-۱-۵
وضعیت فهرست‌نویسی	: فبیای مختصر
یادداشت	: فهرست‌نویسی این اثر در نشانی http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
عنوان دیگر	: ولایت خورشید: (دفتر اول: کُوشِ رحمت)
موضوع	: شعر مذهبی فارسی - قرن ۱۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۶۳۳۴۱

ولایت خورشید: (دفتر اول: کُوشِ رحمت)

دکتر محمد علی آبادی

انتشارات نُور مهران

انتشارات نُور مهران

علی رضا علی آبادی

نقش و نشان

اول

۱۳۹۴

۹۷۸-۶۰۰-۹۲۳۵۳-۲-۲

۱۰۰۰ نسخه

۳۰۰۰۰ تومان

* کتاب:

* مؤلف:

* ناشر:

* حروفنگاری و ویراستاری و صفحه‌آرایی:

* گرافیک جلد:

* چاپ‌خانه:

* نوبت چاپ:

* سال نشر:

* شابک

* تیراژ:

* قیمت:

همه حقوق طبع برای مؤلف محفوظ است

آدرس: تهران، سهروردی جنوبی، نبش امین‌زاده، پلاک ۳

تلفن: ۷۸۱-۲۲۹۵۰ (پست الکترونیک: mohammad.aliabadi@gmail.com)



نخست، تقدیم به: پدر و مادر عزیز و مهربان‌ام:

آن‌ها که، همراه با نثار جوهرهٔ مردی و توان و مهر و محبت و شیر جان، هنر عاشقی آل الله علیهم‌السلام و عاشقی و خدمت‌گزاری عاشقانه بر «درب‌خانهٔ اهل‌البیت علیهم‌السلام»، یعنی «چهارده گوهر یک‌دانهٔ صدف خلقت و بحر بی‌کرانه بندگی» را بر این کم‌ترین خدمت‌گزاران آموختند.

و سپس تقدیم به: برادر جاویدالاثرم شهید بسیجی علی علی‌آبادی،

و نیز به: سایر هنرمندان بی‌نشان و البته خورشیدصفت آسمان قدسی نور:

آن‌ها که هنر خداگونگی را در آینهٔ صاف اندیشه‌ها، گفتارها و رفتارهای عاشقانهٔ خود، به بلندای آسمان‌ها، به تابندگی خورشیدها، به تابانی ماه‌ها، به درخشندگی ستاره‌ها، به لطافت گل‌ها، و به صفای قطرات زلال آب‌ها به شهادت نشستند. آن‌ها که در راه بی‌پایان آینه‌داری جمال و کمال دوست، آن یگانه محبوب و معبودشان، خالصانه قدم گذاشتند. و با تلاشی خستگی‌ناپذیر و صبری نیکو گام به گام باریکی‌ها و وجب به وجب سختی‌های طاقت‌فرسای آن را در حضور پاک و نزدیک آن همام، با ادبی تمام پیموده، و در آخرین نفس، در قلعهٔ فرازین راه، در میدان شهامت و مردی و ایثار، آغوش به آغوش یار، کامل‌ترین تصویر از حقیقت محبوب را در چهره‌ای ملکوتی، شکوهمندانه و به زیباترین صورت ممکنه، در بی‌رنگی و بی‌نشانی و بی‌مزاری گواهی دادند، تا جای جای همهٔ دل‌ها و خاک‌ها و سرزمین‌ها حضرت حضور و زیارت‌گاه وجود دریائی و بی‌کرانه‌شان باشد.

یاد سبزشان به‌خیر.

فهرست اجمالی

- پیش گفتاری از: اُستاد فرزانه و گران قدر: دکتر جلیل تجلیل ۳
- فصل اول: مُحَمَّد، «پیغام آور عشق و چشمه محبت» ۱۷
- فصل دوم: علی علیه السّلام و ولایت عدل بنیان علوی ۹۹
- فصل سوم: «فاطمه»: کُوثر رحمت و مادر اُمّت ۲۷۷
- سخن پایانی در: شرح مُختصری از زندگی شاعر؟ ۳۸۷

مقدمه‌ای بر مقدمه

در باب معرفی اثر علمی و یا ادبی نویسنده‌ای که برای عموم خوانندگان ناآشناست همواره رسم بر این بوده که از طریق نگارش مقدمه توسط یکی از خبرگان کار و نویسندگان عالی‌مقدار که شهره روزگاراند و باعث افتخار، ضمن معرفی کم و کیف افق فکری نویسنده اثر، با کمی مبالغه در برشماری زیبایی‌ها، خوبی‌ها و ویژگی‌های اثر مربوطه، هندسه نقش و طرح آب و رنگ صورت مقدمه را به گونه‌ای رقم می‌زدند که هم به‌نوعی قدردانی از زحمات و تلاش‌های او باشد، و هم باعث رونق بازار و اقبال نظر فرهنگ دوستان به اثر و خواندن آن گردد.

این جانب نیز اینجا و آنجا، در جمع عزیزان صاحب نظر، به دنبال یافتن و آشنائی با عزیزی بودم که به حق از اهل دل بوده و بتوانم زحمت این مُهم را بر عهده او بگذارم، و این پس از افتخاری که از هم سفری با اُستاد گران قدر و عزیز خود جناب دکتر جلیل تجلیل (از نُخبگان مُعاصر آسمان فرهنگ و ادب ایران زمین، از چهره های ماندگار کشور، و از اساتید پیش کسوت دانشکده ادبیات دانشگاه تهران) در سفر به سرزمین وحی و خانه خدا داشتم، نصیب شد. روزی از روزها، پس از آشنائی نسبتاً خوبی که در طول سفر حج با افکار بلند و دید عمیق و دقیق ایشان نسبت به دین و معارف دینی پیدا کردم، به ملاقات ایشان در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رفته، و پس از سلام و احوال پرسی و یادآوری خاطرات تلخ و شیرین آن سفر با دوستان و ...، دیوان سروده های خود را (که به غلط و خودخواهانه و شاید از سر ناهمی، نام آن ها را شعر گذاشته ام و امیدوارم که این گستاخی را بر این کم ترین ببخشایند) بر ایشان عرضه داشته و درخواست نمودم تا پس از مطالعه، نظر تخصصی (و البته اصلاحی) خود را نسبت به اشعار آمده در آن بیان فرموده، ارائه طریق فرمایند. ایشان نیز، بنا بر خصلت کریمان بزرگ منش و بر سیره آموزگاری و هادیانۀ خویش، بزرگوارانه قبول زحمت فرمودند. و در چند صفحه کلمات و بیاناتی را در پاسخ بنده انشاد فرمودند (که همگی عرق شرم و خجالت بر پیشانی این حقیر نشانند). و فرمودند که دوست دارند سُخن خود را در صفحات پس اشاره این مجموعه به نظر مخاطبان گران قدر برسانند.

پس اطاعت امر کرده و شما را با سُخن سراسر مهر و بزرگمشی اُستاد تنها می گذارم:

مُحمّد علی آبادی (۳۱ خرداد ۱۳۹۴)

مقدمه‌ای از استاد فرزانه و گران قدر:

دکتر جلیل تجلیل

بسم الله الرحمن الرحيم

چگونه می‌توانم بحسری را در گوزه‌ای بریزم، دست ما کوتاه و خرما بر نخیل. «ولایت خورشید» نمودار چامه‌هایی از دل برآمده از شاعری است که به‌رغم تحصیلات فنی (در رشته دکترای مهندسی معماری) نتوانسته نقاب از چهره سینه پرجوش و دل گذاخته بر ندارد. او در این دیوان چامه‌های پر شور خود را نخست به پیشگاه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه طاهرين عليهم‌السلام و سپس به بزرگان آئین مقدس اسلام و مشتاقان ایمان و خداپرستی و معنویت عرضه می‌دارد.

مراتب شیفتگی استاد، دکتر محمد علی آبادی، شاعر عزیز و سراینده دیوان شریف ولایت خورشید، به قرآن کریم و اسلام مقدس و رسول گرانی و هر یک از معصومان چهارده‌گانه سال‌ها پیش در اظهارات و خطابات و اشعار و سلوک ایشان در طریق پرفیض حرمین شریفین، در سفر حج تمتع (طلوع آشنائی حقیر با این بزرگ‌مرد) عملاً برای بنده اثبات شده است. در آن ایام ایشان همواره اظهار مفاخر علم و ایمان و عمل صالح را در زندگی و احوال این بزرگان به نظم و نثر عرضه می‌داشتند.

آشنائی با مفاهیم عمیق و دقیق آیات قرآن کریم و احادیث ائمه معصومین و برخورداري از ذهنی وقار این شاعر را توان آن داده است که در گذرگاه اشعار خود سیره

ملکوتی آن بزرگواران را به زیبایی ترسیم کند، اعیاد بزرگ اسلامی را با شور و شعف بزرگ بدارد، و سوغاها و ماتم‌های بسیاری را که بر عترت پیامبر اکرم در طول حیاتشان رُخ داده و ستم‌هایی که بر خاندان پاکش رفته است، با بیانی وثیق در قالب قصاید و قطعه‌ها و دیگر قالب‌های سُرایش بریزد.

دیوان «ولایت خورشید» دفترهایی چند را به‌قرار آمده در زیر در بر گرفته است: شاعر دلدادۀ مقام رسالت دفتر اول دیوان بزرگ خود را به اشعاری در بزرگداشت و مدح و مرثیه‌سُرانی رسول گرامی اسلام، امیر مؤمنان علی ابن ابی‌طالب علیه‌السلام و فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها اختصاص داده است. او در بخش نخست از این دفتر، در نعت حضرت ختمی مرتبت مضامین و عناوین شکوه‌مندی را مطرح می‌کند چون: «صلوات بر مُحَمَّد و آل او»، «میلاد جان خورشید»، «چشمه‌ی رحمت»، «بهشت سلامت»، «ماه مجلس»، «سلام»، «مرد سپید»، «مبعث رسول عشق»، «آب‌روی عشق» و

ایشان در وصف آن خاتم پیامبران چاه‌هایی دلنشین و رُوح‌افزا دارد. در توصیف مبعث رسول خُلد، در قصیده‌ای غرّاء، رسیدن این برترین ز مهر و ماه را در دل زمزمه‌هایی دل‌زیا به بیان می‌آورد. و تحت عناوینی چون «بنا به سُنّت حق تبارک و تعالی»، «نشست ظلمت شب» و «اختر پگاه» و «صراط اقوم» آمدن این نور راه را نوید داده، او را «عین رسم و راه» می‌داند، و «گنج مخفی»^۱ که پرده از رُخسار برکشیده و بانگ قلّسی «قواء باسم ربّک»^۲ سر داده است، و آمده و آمده است تا ولایت خُلدای رحمان^۳ را در فراز نشست‌گاه صدق^۴ باز نماید. ایاتی از این چاه صلیق‌نشانه را یاد می‌کنیم:

۱. اشاره به حدیث قدسی «كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا فَاحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِأَعْرِفَ».

۲. تلمیح به آیه شریفه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ». قرآن کریم، ۹۶: ۱ (علق).

۳. اشاره به آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ». قرآن کریم، ۵: ۵۵ (مانده).